هفته نامهٔ
وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکنند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم
مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان



قیام های که در تاریخ افغانستان در دوره های جهاد صورت گرفته، سرمایه های ملی و افتخارات تاریخی ماست که نباید فراموش شوند. بلکه به عنوان یک درس به نسل های آینده منتقل دهیم.

از فرموده های استاد شهید

دور ششم – سال یازدهم – شمارهٔ (۲۷) ۱۵میزان ۱۳۹۱ ۲۰ ذوالقعده الحرام ۱۴۳۳ - 6 October 2012

شبِ شعر و خاطره

به مناسبت نخستین سالگَرد شهادت شهید صلح پروفیسور برهان الدین ربانی رهبر جهاد و مقاومت برگزار شد



صلاح الدین ربانی:

*** ما برای تحقق آرمان ها و آرزوهایی تلاش کنیم که این شخصیت ها برای آن آرمان ها و اهداف، مبارزه کرده اند و زیستند و از زندگی برای تحقق آن مایه گذاشته و جان فدا کردند.**

وزیر اطلاعات و فرهنگ:

*** افغانستان سرزمین حماسه ها و سوگنامه ها می باشد، زندگی استاد شهید سراسر حماسه و نبودش سراسر سوگنامه است.**

*** گزارش از: نذرالله عنایت**

"برای دره و دریا، صدای تازه ببخش
برای سبز شدن، دست و پای تازه ببخش"

دوشنبه شب تاریخ ۱۰ میزان سال رون نشست شب شعر و خاطره ها به مناسبت نخستین سالگرد شهادت پروفیسور برهان الدین ربانی در کابل بر گزارگردید. در این محفل، به صدها تن از فرهنگیان، شعراء و نویسندگان، رجال برجستهٔ حکومتی، اعضای جامعهٔ مدنی، جوانان، دانشجویان دانشگاه ها، خواهران و برادران از سراسر افغانستان دور هم جمع شدند و بزم شعر و خاطره آراستند .

اشتراک کنندگان احساسات خود را در قالب شعر وخاطره با کمال ظرافت و لطافت در قالب واژه ها وکلمات به دکلمه گرفتند و یک شب پرهیجان و پر خاطره را به یادگار گذاشتند.

در ابتدا محفل با تلاوت آیات ملکوتی و نواختن سرود ملی آغاز گردید و سپس محترم عبدالقیوم ملکزاد مسؤول برگزاری محفل شب شعر و خاطره و عضو کمیسیون فرهنگی برگزاری نخستین سالگرد شهادت استاد, به سخنرانی پرداخت. آقای ملکزاد در مقدمه ای که به خوانش گرفت، اهمیت شهید و شهادت، یاد و خاطراتی که از استاد شهید طی سی سال هم تشینی داشتند، به حاضرین شریک ساخت. متن کامل این سخنرانی در شمارهٔ آینده به نشر خواهد رسید. سپس آقای ملکزاد از دوکتور سید مخدوم رهین وزیر اطلاعات و فرهنگ، خواست تا به جایگاه بیایند و محفل را رسماً آغاز نمایند. دکتر رهین با ذکر این که استاد ربانی یکی از شخصیت های ملی دارای زندگی پربار با ابعاد گوناگون است، از شهید صلح به عنوان سیاستمدار با تسامح، عالم آگاه از مسایل پیرامونی، منطقه و جهان یاد کرد.

وزیر اطلاعات و فرهنگ افزود، استاد پس از خود، راه روشن بجا گذاشته است او تصریح کرد، استاد شهید در دوران زندگی شان توانستند تمام قطب ها و نحله های فکری، سیاسی و اجتماعی را دور خود جمع کنند که این بینش نشانهٔ از خردمندی رهبری او بود.

آقای دکتر رهین با تصریح اینکه راه استاد، پر راه رو است، برگزاری این گونه نشست ها را که گره خورده با یاد و خاطرات او می باشد، از نمونه هایی تعالی و بزرگی شخصیت استاد شهید خواند. آقای دکتر رهین با ذکر این که، افغانستان سرزمین حماسه ها و سوگنامه ها می باشد، زندگی استاد شهید را سراسر حماسه و نبودش را سراسر سوگنامه توصیف کرد. ص۵

سرودهٔ از استاد شهید پروفیسور برهان الدین ربانی بر مزار مولانای روم
قونیه/ ۹حمل ۱۳۶۹

از دیار خون و تکبیر و جهاد

با دل درد آشنا و پر ملال
ره سپردم سوی مولانا جلال
چون شدم بر بارگاه فیض او
با طراوت گشتم از آب زُلال
یادم آمد از شکوه و مجد پار
ره ز نقصان برده ام سوی کمال
بانوا گشتم ز نای نی نواز
هم جلالش دیده. دیده. هم جمال
لحن های حافظان. سِحر آفرید
یافتم بهبود کامل از. ملال
بانگ دل آویز تا بشنود گوش
"سیر کردم تا" اُرحنا یا بلال
بر فقیه قونیه بادا سلام
از دیار بلخ. آن مهد کمال
هم به تُرکان. آل عثمانت سلام
صانعان آن همه مجد و جلال
از دیار خون و تکبیر و جهاد
می دهم پیغام مجد لازوال
می دهم پیغام شور و هلهله
می دهم پیغام عز بی زوال
کای عقاب! افسردگی مَپذیر هین
بازکن بهر عروجی پَر و بال
جانب میدان هیجا می شتاب
از کسالت بگذر و از قیل و قال
جای اشک از دیده ام خون میرود
از شکوه رفته و از ذُل حال
ای جهادت چشمهٔ نور و امید
وای جهادت منبع نور و کمال
ای جهادت مایهٔ امید ها
بهر خصم دون مده! دیگر مجال
ای مسلمان! دان کی ربانیستی
گر جهادت نیست. باشی در وبال

چرا حساسیت در برابر پوهنتون شهید صلح پروفیسور برهان الدین ربانی؟

صفحهٔ ۶

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: شهید استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل تایمنی سابقه سرک دوم خانه نمبر ۴۵
شمارهٔ تلفن: ۰۷۸۸۴۰۸۶۳۵ / ۰۷۷۲۰۳۶۴۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo& hotmail .com

سرمقاله

گرامیداشت از مقام معلم

از سال های دور در کشورما از سوم جوزا تجلیل به عمل می آمد. سال پار، گرامیداشت از این روز را به تاریخ ۱۳ میزان که مصادف با روز جهانی گرامیداشت از مقام معلم است، تغییر داده شد و به بهانهٔ این روز (روز معلم) از مقام معلمان در سراسر جهان بزرگداشت به عمل می آید.

روز معلم را به همه معلمان گرامی در کشور و جهان مبارکباد می گوییم. معلم را پدر معنوی خوانده اند، هرگاه پدر و مادر در عرصه های نگهداری، تهیهٔ خوراک، پوشاک و امور مورد نیاز دیگر فرزندان شان را کمک می کند، معلم است که در بخش تعلیم و تربیت و خواندن و نوشتن رهنماست. رشد علمی انسان ها، توسعه، پیشرفت و ترقی کشور ها، مدیون احسان معلمان است، به هر اندازهٔ که ما عزت و حرمت معلمان را داشته باشیم، درخور آنند.

معلمی وظیفهٔ ارزشمند در اسلام است. زیرا اولین معلم، خداوند متعال است که قرآن کریم را به حضرت پیغمبر آموخت و دومین معلم، پیامبر اکرم است که خود فرمود: من معلم برانگیخته شده ام.

معلم رکن تعلیم و تربیت است و همچون چراغی در مسیر حرکت آدمیست، انسان های بی بهره از علم و دانش، همانند کسانی اند که در تاریکی راه می روند. می دانیم که راه پیمودن به سوی تاریکی، رفتن به بیراهه و امکان نابود شدن است. زیرا هدف تعلیم و تربیت این است که در جامعهٔ بشری خیر و سعادت را به شر و سیه روزی و شقاوت، غالب سازد. به بهانهٔ روز معلم، از زحمات و مهربانی همهٔ معلمان که در مسند رهنمایی و هدایت قرار دارند، سپاسگزاریم.

"ای معلم، ای نفس در جانِ من
ای معلم، خونِ هر شریانِ من
ای معلم، ای تجلیگاهِ من
ای که نورت پرتو ایمانِ من"

بر معلمان است تا موقف خویش را دریابند و تشخیص دهند که به کدام حد، وجود آن ها در سرنوشت، توسعه و پیشرفت و ارتقای جامعه مؤثر است. ملتی که در آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان و جوانان کشورش کوشا است، تعلیم و تربیت را در اولویت های کاری جامعه اش قرار می دهد، آموزش و تعلیمات شاگردان را هماهنگ با علم و تکنالوژی زمان عیار می سازد، به یقین که آن ملت ها گام به سوی ترقی و تعالی جامعهٔ شان بر می دارند و از آن فراتر پا به پای جهانیان و کشورهای مترقی به پیش می روند. آنگاه است که افتخار نصیب چنین ملت هاست و نسل های بعدی هم بر چنین داشته های علمی- فرهنگی افتخار می نمایند. با استفاده از آثار و اندوخته های آن ها مسیر روشنی را می پیمایند.

اما جای تأسف است که تا هنوز نسبت نا امنی ها صدها باب مکاتب در مناطق مختلف کشور به روی دانش آموزان بسته شده است و هزاران طفل و نوجوان به دور از درس و تعلیم بسر می برند. هزاران تن دیگر از دو رکن اساسی (معلمان مسلکی و محیط آموزش معیاری) بی بهره اند که برای آیندهٔ جامعه، مایهٔ نگرانی می باشد. معلمان که نیز از جمله رکن اساسی تعلیم و تربیت اند، از دولت می طلبیم تا در وضع معیشتی آنان رسیدگی نماید، تا معلمان گرامی به خاطر آرام و به دور از نگرانی در راستای تعلیم و تربیت نسل آینده گام بردارند و نظام تعلیمی کشورما از کیفیت عالی برخوردار گردد.

صلاح الدین ربانی سرپرست جمعیت اسلامی و رئیس شورای عالی صلح در همایش شب شعر و خاطره:

استاد شهید برای حفظ وحدت ملی از هیچ نوع تلاشِ خستگی ناپذیر دریغ نورزید



الحمدلله رب العالمین؛ والصلوة والسلام علی سید المرسلین، محمدٍ و آله و اصحابه اجمعین

در ابتدا می خواهم سخنم را با این دو بیتی از غزلی استاد شهید که ما را به تحرک فرا می خواند، آغاز کنم:

می دهم پیغام شور و هلهله
می دهم پیغام عزِّ بی زوال
کای عقاب! افسردگی مَپذیر هین
بازکن بهر عروجی پرّ و بال

حضار گرامی و مهمانان عزیز!

السلام علیکم و رحمت الله و برکاته

نخست از حضور گرم و سبز همهٔ شما در این شب "شعر و خاطره" سپاس گزاری می کنم. به ویژه از تشریف آوری شعرای محترم که در این جلسه حضور یافتند و احساس شان را در رابطه به استاد شهید با لِطافت تعبیر کردند.

هرچند نبود رهبر شهید جهاد و مقاومتِ مردم افغانستان، ضایعه ای بس اندوهناک است؛ اما تجدید پیمان با آرمان های بزرگ اسلامی و انسانی او، همراه با تجدید خاطراتش در همچون شب هایی، ما را امیدوار به فرداهایی روشنی می کند که از آرزو های دیرینهٔ استاد شهید بود.

فرهیختگان گرانقدر!

بزرگداشت از فداکاری ها و مبارزات مردانِ بزرگی چون استاد عالیقدر رحمت الله علیه، در حقیقت به معنای ایجاد پلی ست بین امروز، دیروز و فردا هایی مردم این سرزمین.

ما با یاد بود از شخصیت های نیکو نام و تاریخ ساز خویش، نسل امروز و فردا را با گذشتگان صالح شان پیوند می دهیم، تا در تاریخ، زنده و جاوید باقی بمانیم.

دوستان! در آغاز جا دارد از قدردانی ملت شریف و مجاهد افغانستان که همیشه ملت قدرشناس بوده اند و قدر بزرگان خویش را به خوبی دانسته اند، با کمال اخلاص و صمیمیت سپاس گزاری کنم.

مردمی که در دور دست ترین مناطق، بدون این که کسی به آن ها برنامه ای داده باشد و یا دستوری برای شان رسیده باشد، از سالگشت شهادت رهبر شان و دیگر شهدای پرافتخار و تاریخ ساز این سرزمین بزرگداشت کرده اند.

در همین حال جا دارد تا من به عنوان سرپرست جمعیت اسلامی افغانستان و رئیس شورای عالی صلح، از دولت افغانستان به خاطر تشکیل کمیسیون ویژه برای بزرگداشتِ با شکوه از هفتهٔ صلح و وحدت ملی و نخستین سالگشت شهید صلح، و همچنان تجلیل از هفتهٔ شهید و یازدهمین سالگشت شهادت قهرمان ملی کشور ابراز امتنان کنم.

از رئیس کمیسیون بزرگداشت از سالگشت شهادت استاد، جناب داکتر فاروق وردک وزیر محترم معارف و همهٔ همکاران شان، و همکارانم در شورای عالی صلح، برای بزرگداشت باشکوهِ همایش ملی، سمینار بین المللی صلح و یاد بود از استاد شهید، بابت زحمات فراوان شان قدردانی می کنم.

و همچنان از کمیسیون جمعیت اسلامی افغانستان برای بزرگداشت از نخستین سالگشت شهادت رهبر جهاد و مقاومت به ریاست جناب استاد سید عنایت الله شاداب با همهٔ همکاران شان که نمی شود نام تک تک شان را بگیرم، نیز قدردانی می کنم.

دوستان! چند نکته ای را می خواهم خدمت تان عرض کنم.

دولت، با نام گذاری این هفته به نام هفتهٔ صلح و وحدت ملی، در حقیقت از کارنامه های رهبر خردمندی، قدردانی کرد که حدود پنج دهه در راه اسلام؛ و برای دست یابی مردم این سرزمین به عدالت و کرامت انسانی، برای پاسداری از آزادی و استقلال کشور و تأمین صلح و ثبات در این سرزمین، جهاد و مبارزه کرد و در همین راه به شهادت رسید.

اما یک نکته را خوب دقت کنیم که پیوند ما با تاریخ تنها در مناسبت های تاریخی نباشد و همچنان پیوند مان با شخصیت های تاریخی در مناسبت های ویژه باید خلاصه نشود.

و به همین دلیل، ما نباید از شخصیت های خود به گونهٔ مقطعی و مناسبتی بزرگداشت نماییم. بلکه باید در هر لحظهٔ از زندگی مان، این شخصیت هایی که برای مردم زنده گی کردند، حضور داشته باشند.

این کار در صورتی جامهٔ عمل می پوشد که ما برای تحقق آرمان ها و آروزهایی تلاش کنیم که این شخصیت ها برای آن آرمان ها و اهداف، مبارزه کرده اند و زیستند و از زندگی برای تحقق آن مایه گذاشته و جان فدا کردند.

آرزوی استاد شهید، چیزی جز سعادت مردم در پرتو رهنمودهای الهی نبود.

آرمان استاد، دست یابی مردم این سرزمین به عدالت، حفظ کرامت انسانی و حقوق شهروندی، آزادی و استقلال این سرزمین بود. به همین دلیل، یاد بود ها فقط به خاطر تذکر این است که ما چقدر در این راستا تلاش کرده ایم و تا چی حد به تلاش بیشتر نیاز داریم.

امیدواریم تا سال دیگر و مراسم یادبود دیگر، بتوانیم بگوییم که ما در این مسیر گام های موفقی را به پیش نهاده ایم.

جا دارد به این موضوع نیز اشاره کنم که **نام گذاری پوهنتون تعلیم و تربیه و جاده ای به نام شهید صلح پروفیسور برهان الدین ربانی از جانب دولت، گامی در راستای قدردانی از مبارزات استاد شهید است.**

بدون شک، استاد شهید یک آموزگار و مربی رسالتمند و متعهد این کشور بود که، برای حفظ وحدت ملی از هیچ نوع تلاش خستگی ناپذیر دریغ نورزید، لذا نام گذاری پوهنتون تعلیم و تربیه را به نام ایشان، اقدامی به جا می دانیم.

در پایان سخنی با برادران و خواهران جمعیت اسلامی دارم.

برادران و خواهران!

تاریخ معاصر افغانستان و لحظه های افتخار آفرین و پرغرورش با نام این حزب و نامداران سترگ آن در رأس نخستین رهبر آن استاد برهان الدین ربانی، گره خورده است. پاسداری از این ارزشِ ایمانی و تاریخی، مسؤولیت تک تک همهٔ ما و شما است.

حفظ این ارزش ها از ما می‌طلبد که همهٔ ما و شما با مسؤولیت پذیری و با درک شرایط حساس و دشوار در جهت انسجام صفوف خویش گام برداریم.

بنا بر این، کار مهمی همهٔ ما و شما، برگزاری مجمع عمومی است که انشاءالله به لطف الهی و با خلوص نیت تک تک اعضای افتخار آفرین و مسؤولیت شناس جمعیت اسلامی، به زودی به سمت برگزاری کنگره یعنی مجمع عمومی جمعیت اسلامی خواهیم رفت، تا با بازسازی صفوف خویش، برای کارهای بزرگتر ملی، مثل انتخابات ریاست جمهوری و شورای ملی گام بگذاریم.

در اخیر یک بار دیگر از حضور همهٔ شما سپاس گزارم.

اقول قولی هذا استغفرالله لی و لکم
السلام علیکم و رحمت الله و برکاته

استاد ربانی شهید رهبر مبارزات و محور تحولات



دکتور عنایت الله خلیل هدف

پیشگفتار

بنده در مقاله ای به مناسبت تشییع جنازهٔ شهید صلح استاد برهان الدین ربانی چنین نوشتم: به حق شخصیت استاد شهید به بحر پرتلاطم و خروشانی می ماند که امواج آن پیهم در حال جهش و پرش و تغییر و تجدید است؛ از اینرو نمی توان آنرا برشمرد! و یا شخصیت استاد شهید مانند کوه شامخی است که دارای فراز و نشیب و دره ها و صخره های فراوان است؛ از اینرو نمی توان به قله های سرکشیده و اطراف و اکناف آن رسید!...

اکنون در نخستین سالروز شهادت استاد شهید که یقین دارم دوستان و یاران استاد ابعاد گوناگون زندگی و شخصیت ایشان را به تحلیل و بررسی خواهند گرفت، این خامهٔ ناتوان در حد توان فراز هایی از شخصیت این مرد بزرگ را در دوره های جهاد و مقاومت و سال های پسین به تحلیل می گیرد.

در آغاز خدمت خوانندهٔ عزیز به عرض برسانم که صاحب این قلم یکی از کسانی است که بیشتر از سی سال با استاد شهید فقط در عرصه های فکری و سیاسی نزدیک بودم؛ در نوجوانی به حیث مسؤول کتابخانهٔ جمعیت در دیار هجرت کار را آغاز نمودم و در مراحلی از کارهای فرهنگی در سمت های سر دبیری جراید و مجلات داخلی و عربی، و همچنان کارهای سیاسی وظایفی را انجام دادم؛ بناءً آنچه می نویسم برداشت هایی است از یک تجربهٔ ذاتی عملی، نه تحلیل و تخمین و قلم پردازی خیالی و نظری.

نقش محوری استاد در گسترش جهاد مردم افغانستان

با وقوع کودتای خونین هفت ثور و به قدرت رسیدن حزب دموکراتیک خلق و برملا شدن ماهیت کودتا و چهرهٔ رهبران آن، موج نارضایتی در میان مردم افغانستان ایجاد گردید و در اندک زمانی در گوشه و کنار کشور احساسات مردم بر افروخته شد و گسترش یافت. بدون تردید بخش اعظم احساسات نا رضایتی و مبارزه در برابر رژیم، مخصوصا در میان روشنفکران، دانشگاهیان و شاگردان مکاتب و مدارس از مرکزیت نهضت اسلامی که در پشاور قرار داشت الهام می گرفت؛ چنانچه در همان روز های نخست رابطه میان مرکز نهضت با داخل که از قبل نیز وجود داشت، تقویت یافت و حرکت هجرت در چوکات محدود آن از میان استادان و محصلین و جوانان مکاتب آغاز گردید. استاد ربانی همراه با تعدادی همراهان شان که در دیار هجرت بسر می برد در رأس این حرکت فکری و فرهنگی و ارتباطات قرار داشت؛ نامه هایی به قلم استاد شهید توسط جوانان نهضت به استادان و شخصیت های مؤثر در داخل انتقال داده شد که در این راستا تعدادی از حاملین این پیام ها در همان روزهای نخست دستگیر و شهید گردیدند. استاد شهید در پیام ها و نامه های خود همه را به آگاهی و سهمگیری بیشتر برای مبارزه با رژیم کمونستی دعوت می نمود. باید گفت چون آگاهی در میان مردم، مخصوصاً روشنفکران و تحصیل یافته گان بسیار عالی بود و از جانب دیگر عملکرد های دست اندرکاران رژیم کمونستی مبنی بر ایجاد رعب و وحشت و اختناق و بستن و کشتن شرایط را چنان آماده ساخته بود که رسیدن نامه ها و پیام های مرکزیت نهضت مانند جرقه های آتش شعله های احساسات و حرکت و هجرت و مقاومت را در میان اقشار مختلف مردم مشتعل می ساخت و افراد ملت در سطوح مختلف در داخل کشور آمادهٔ قیام و جهاد می گردیدند و افراد و گروه ها از راه های مختلف و با تحمل مشکلات فراوان راهی دیار هجرت می گریدند، و چنانچه اشاره گردید مردم آنقدر از روحیهٔ عالی برخوردار بودندکه جوانان پاک سرشت هنگام هجرت و ترک میهن فکر می کردند به زودترین فرصت دو باره پیروزمندانه به وطن برخواهند گشت که این روحیهٔ عالی یکی از نقاط مثبت انقلاب اسلامی و همه گیر شدن قیام مردم در برابر رژیم کمونستی و اشغالگران شوروی محسوب می گردید.

به همین ترتیب همه کسانی که از جریانات و تحولات دهۀ پنجاه؛ یعنی دوران حکمروایی سردار داوود و کودتای هفتم ثور آگاهی دارند به خوبی می دانند که استاد ربانی محور مبارزات فکری و تنویر و آگاهی ملت در برابر رژیم های این دهه بوده است؛ زیرا استاد ربانی شهید مبارزهٔ فرهنگی وآگاهی فکری نهضت ها و ملت ها را ضامن پیروزی و بقای قیام ها و انقلاب های مردمی می دانست، بناءً همیشه به آگاهی و مبارزهٔ فرهنگی تأکید می ورزید که رسالهٔ زیبای (چه نوع مبارزه) تراوش خامهٔ کم نظیر ایشان دلیل روشن این مدعاست. بلکه بهترین گواه این مطلب این است که رقبای استاد ربانی همواره وی را به ادامهٔ مبارزهٔ فرهنگی متهم نموده گویا این ویژگی عالی را به عنوان (کلمهٔ حق یراد بها باطل) در جریان رقابت های ناسالم بر رخ استاد و دوستان وی می کشیدند! اکنون به همه روشن گردید که نا آگاهی و عدم توجه به تربیه و سازماندهی چه عواقب نا گواری را به رستاخیز عظیم ملت مسلمان افغانستان به بار آورد و چگونه دستاوردهای جهاد و مقاومت و قربانی های بیدریغ ملت مجاهد و مسلمان افغانستان به یغما برده شد!

نقش محوری استاد در معرفی جهاد در جهان اسلام

استاد ربانی به حیث استاد بزرگ دانشگاه، رهبر نهضت اسلامی شخصیت معروف و شناخته شده در داخل و خارج بود. وی در دوران حکمروایی محمد داوود به کشورهای عربی و اسلامی سفر نموده با اشتراک در کنفرانس ها و مناسبت های مختلف و با ارسال پیام های خویش به شرح اوضاع افغانستان می پرداخت و از عواقب ناگوار دخالت اتحاد شوروی وقت در این کشور اسلامی بر حذر می ساخت.

استاد ربانی شهید با آنکه به حکم ضرورت در پشاور بسر می برد، اما ارتباط خویش را همواره با مردم پاکستان و شخصیت ها و گروه های اسلامی، مخصوصاً با مجدد و دانشمند جهان اسلام علامه مودودی بر قرار ساخته بود و هیچ گاه خود را در حلقهٔ دستگاه های استخباراتی کشور میزبان محصور نساخت؛ بلکه حتی قبل از کودتای ثور همانطور که گفته آمد روابط خود را با جهان اسلام و شخصیت ها و نهضت های اسلامی در کشور های اسلامی بر قرار ساخته بود. در ماه سنبلهٔ سال پنجاه و هفت خورشیدی، یعنی فقط چند ماه بعد از کودتای کمونستی وقتی ما به پشاور مهاجر گردیدیم، استاد ربانی عملاً در یک سفر طولانی در کشور های عربی بسر می برد و به روز های عید قطر برگشت نمود و ایام عید را با همراهانش و آوارگان سپری نمود. بناءً استاد ربانی شهید محور فعالیت های فکری و فرهنگی و سیاسی برای معرفی جهاد افغانستان در کشورهای اسلامی و در میان شخصیت ها و ملت های مسلمان دانسته می شود که با شناخت گستردهٔ قبلی با شخصیت ها و تجمعات و سازمان های اسلامی و با حاکمیت نوشتاری و گفتاری به زبان عربی، مخصوصاً با استفاده از فرصت موسم حج و تجمع جهانی مسلمانان به طور شایسته به شرح اوضاع افغانستان و معرفی جهاد اسلامی در این کشور می پرداخت. به یاد دارم که در همین راستا چندی بعد استاد ربانی بار دیگر به کشورهای عربی مسافرت نمود و ضمن فعالیت های خویش به طور گسترده ای با رسانه های عربی گفتگوهای مفصلی انجام داد که به طور گسترده انعکاس یافت و مهمترین گفتگو های ایشان توسط نویسندهٔ این سطور به دری ترجمه گردیده در رساله هایی تحت نام (ده مصاحبه) و (دو خطابه) به چاپ رسید و ضمن نشرات جهادی به سنگرهای جهاد در داخل کشور فرستاده می شد.

نقش محوری استاد در میان احزاب جهادی

استاد ربانی شهید با آنکه از لحاظ شخصیتی و مشروعیت تاریخی در مسیر نهضت اسلامی افغانستان از جایگاه مورد قبول اکثریت منسوبین نهضت اسلامی بر خور دار بود، اما هیچگاهی خود دعوای برتری و زعامت نکرد؛ بلکه همواره در جستجوی ایجاد محورهای بزرگ مردمی برای مبارزه و قیام در برابر تجاوز شوروی و رژیم های دست نشاندهٔ آن وقت بود.

در نخستین اقدام برای وحدت و یکپارچگی صفوف نهضت اسلامی و قیام مردم افغانستان، در جهت ادغام دو جناح نهضت (جمعیت و حزب) و تشکیل حرکت انقلاب اسلامی تحت قیادت مرحوم مولوی محمد نبی محمدی استاد ربانی شهید نقش اساسی ایفا نمود و امارت جدید را با خوشحالی پذیرفت و در بخش سیاسی حرکت به فعالیت پرداخت.

زمانی که حرکت انقلاب اسلامی از هم پاشید، استاد ربانی شهید به فکر ایجاد محور دیگری افتاد و شخصیت ها و گروه های مجاهدین را زیر نام جبههٔ نجات ملی جمع نمود و فعالیت را در چوکات جبهه تحت قیات حضرت صبغت الله مجددی از سر گرفت. استاد شهید اعلامیهٔ جبهه را به قلم خود نوشت و مردم افغانستان را به وحدت و همبستگی بیشتر و ادامهٔ جهاد در مقابل رژیم دست نشانده تحت سقف جبههٔ بزرگ ملی فرا خواند. چنانچه استاد شهید بار دیگر در تشکیل پیمان اسلامی افغانستان و دیگر تلاش ها برای وحدت و همآهنگی احزاب و گروه های جهادی نقش محوری خود را بجا گذاشت.

استاد شهید در جهت وحدت مجاهدین و همه گیر شدن قیام و مقاومت ملت از هر فرصت دست داده استفاده می نمود، طوری که در همین راستا وقتی پروفیسور سیاف یار دیرین و نزدیک استاد شهید از زندان جهنمی رژیم کمونستی رها گردیده خود را به پشاور رساند، استاد ربانی شهید موجودیت استاد سیاف را فرصت خوبی برای وحدت مجاهدین تلقی نموده تلاش ورزید تا احزاب و گروه های جهادی بار دیگر در یک محور بزرگ متحد گردیده، قیام مردم مسلمان افغانستان در برابر اشغالگران با وحدت و یکپارچگی رهبری شود. بدین ترتیب استاد شهید در تشکیل اتحاد اسلامی و تجمع سایر احزاب و گروه های جهادی تحت قیادت استاد عبد رب الرسول سیاف نقش محوری ایفا نمود و برای وحدت گروه های جهادی و ادامهٔ جهاد و قیام مردم افغانستان با جدیت به فعالیت خود ادامه داد. ص:۶

شهید صلح شد شاه خراسان

دکتور شمس الحق آریانفر

تموز است و نمای برگ ریزان
زمین و آسمان وارونه سامان
زمان آبستن اندوه پیهم
نحوست را فلک درعهد و پیمان
شب اندود است اینک پهنهٔ دهر
جهان دارد تگرگ مرک و باران
پگاه و بامداد و روز، شب شد
فروخفته مگر خورشید تابان
شده شام وشبینه پهنه دهر
غماندود است یکسرخاورستان
مگر آتش گرفته قبلهٔ ما
ویا وارونه گشته نظم کیهان
نگر افتاده خورشیدی ز هستی
شهید صلح شد شاه خراسان
برفت برهان دین ازملک خاور
از آنست کشور ما ماتمستان
بزرگ و پیشوای دین و دنیا
که بود تابنده از او نور ایمان
امام اعلم و اعلی دین تو
سیاست مرد والایی به دوران
به آگاهی نمودی بستری پهن
که پروردی درآن ابنای قرآن
تویی اندیشه گر دعوتگر قرن
شد احیا کیش وآیین مسلمان
مجاهد گشت و شد آزادهٔ دهر
شبان وبرزگر گردان گردان
پدر بادا درود و باد پدرود
شده سالی نپرسی حالتمان
پدر رفتی همه گمراه گشتیم
فرو رفتیم نگر درقعر عصیان
شکوه و پیشوایی را فروختیم
بشد آزادگی درطاق نسیان
ازآن عز و وقار و شان و تدبیر
نمانده اندکی ما را به انبان
ز بس بیکاره و بی عار بودیم
بشد ارزشها یکسر به تاوان
یکی رفت زآشیان با خیل ببرید
دیگر نگذاشت پاسی از نمکدان
دمی ما ماندیم و باغ خزان ریز
و پاییزی شدیم در فصل نیسان
یکایک خشک شد گلهای امید
زمستانی شدیم در نو بهاران
مجاهد مرد مفسد شد دراینجا
جهاد شد جگرهٔ چند مرد نادان
مجاهد آن که درپهنای گیتی
همی کرد نازها بر چرخ کیوان
یکی تاجیک یکی ازبک نمودند
هزاره شد یکی دیگر شد ا فغان
پلان اجنبی تطبیق گردید
شدیم زیبا همه کافر مسلمان
من و تو گفتیم و او گشت حاکم
خدا و خلق برما هست حیران
پلان غیر را مزدور کاریم
به بلله جمله ایم دانای نادان
شکسته حرمت کاشانهٔ ما
شده ملت همی دریاس و حرمان

چه خوش برمرکب جهلی سواریم
که می خندد بما ابنای انسان
تو بودی چاوشی خوان قوافل
نبودت را کنیم احساس با جان
تو بودی راهنما و رهبر ما
نکردیم راه گم درهیچ بحران
پدر بردار سر بیدارمان کن
زسر تا پای گردیدیم ویران
زما صد رهبر و صد خیل کردند
شویم خورد و خمیر وریزه خواران
یکایک محو گردیدیم بنگر
فروخفته همه معرکه داران
به یادمان نما آن صولت پیش
که بود دنیا از آن انگشت به دندان
هدف محو جهاد است و مجاهد
که بیرون گشته اند جمله زمیدان
پدر ای رهبرا ای پیشوا آ
برآور سر دمی ازخاک نسیان
جهان نو گشته و ترفندها نو
بنه فصلی نوی را تازه بنیان
پدر من درد های خفته دارم
نیاید بر زبانم سهل و آسان
بدن خونین و نان درخون قتیق شد
که تا افتید سپاه جهل به تاوان
به جان خود وطنداری نمودیم
همان گاهی که رفت سلطان و دربان
به یمن روستا مردان عاشق
نجات، روشنی آمد به ایوان
کنون مردود هر درگاه ماهیم
زمین گیران مرز خوف و هجران
خودی بیگانه ، بیگانه خودی شد
شده محکوم سپاه مرز داران
شغاد و گرگ دندان می نماید
که محکوم اند شیران و پلنگان
همان گردان که می لرزید زنامش
قصور ابیض و کاخ کرملان
پدر ای پیر برنای تدبر
نگر اندوه و بغض برگریزان
به این غفلت زده قوم نگونبخت
به این خیلی که گردیده ز فرمان
به ابنای بزرگی ساز کرده
ز شهد غیر گردیده پریشان
ندای ایست ده بر خویش آور
بیاور بر سر دیرینه پیمان
حضورت را دمی هنگامه آور
که یابد ذلت و ادبار پایان
پلان مرگ ما منظور گردید
به تلبیس خانهٔ ابنای شیطان
شهادت خانه گشته کشور ما
رسید اندوه ما دراوج کیوان
همه بینندگان مرگ خویشیم
نداریم اندکی تدبیر و امکان
به شاهی بیعت و تکبیر کردیم
به مزدوری نمی خوانند یاران
حساب و کیفر این خیل سازد
به روز حشر خدای حی و سبحان

راه محمود

الحاج رضا منشی زاده از فاریاب

برادر، خواهر همکیش و همراهم!
دریغ و درد بسیار است
درین کشور صدای شیون و ماتم، ز مرگ مرد، بسیار است
و، اندر آسمان زندگانی غبار و گرد بسیار است
یگانه درد جانسوزی که بدتر از همه درد است
وزان قلب من و ما و جهان مسلمین حتی که غمگینست و سرد است
نبود حضرت ربانی پیشوای جهاد ما، کز و درد من و ما خیلی افزود است
که بی او سنگر یاران او خالی و پر دود است
و حتی این فضای کشورم بی او دریغا درد آلود است.
ولی، آیا زیاد او نبودش بود می گردد!
دگر ربانی و مسعود آیا زنده و خشنود می گردد
نمی دانم، ولی یک قرن باید منتظر باشیم
که تا بینیم چه کس مسعود می گردد
چه کس ربانی و احمد ولی، داوود می گردد
اگر چه رفته ایشان ای دریغا از برما
به سوگ شان عزا بگرفته اینک کشور ما
چه باید کرد؟ چه باید گفت؟
چسان تسکین شود دل غم پرور ما
به جز اینکه توجهی به حال خویش بنماییم
و خود را از طریق معرفت با علم و دانش پیش بنماییم
دگر راهی نمی بینم.
دگر راه ها- همه راه ها – دریغا باز مسدود است
همان راهی که ما را می رساند راه ربانی و مسعود است
و، این راه راه محمود است
سزد برما که ما هم راه او را پی بگیریم
به راه حفظ خاک و دین به کس تسلیم نه گردیم
وگرنه تا که دورانست محتاجیم، محکومیم، بدنامیم، درگیریم
برادر، خواهر همکیش و همراهم،
وطن در کورهٔ نیرنگ می سوزد
همه در آتش یک جنگ می سوزد
دل اهل جهان برما که بودیم صاحب فرهنگ، می سوزد
درین آتش نه ما و من
که بی شبهه درخت و جنگل و هم سنگ می سوزد
وطنداران درین آتش همه یکرنگ می سوزد
چه باید گفت، چه باید کرد، نمی دانم
دریغا، اژدهای خفته در دیماه دهان بگشوده اینجا
پلان و قصد بلعیدن به دل دارد
رسیده بین ما و تو به فکر جمع سود است
و دشمن از نفاق ما عزیزان شاد و خشنود است
ولی راه رهایی پیروی از حکم دین است
و صلح و اتفاق و همدیگر خواهی چه شیرین است
و این راه راه محمود است
همان راهی که مردان بزرگ اندیشه، پیمودست.
و راه آزموده ست.

سوگنامه

افسر رهبین

استوار ایستاد بر دستور قرآن پیر ما
داد بر باد فنا خاکستر جان پیر ما
آهِ تندیس توازن وای سیمای صفا
لاله کاری کرد در دامان ایمان پیرما
خانهٔ توحید را در پاسداری بی مثل
پیروی خورشید بر بام خراسان پیرما
مغز ایمان دانش است و گوهرِ دین دانش است
این سخن می گفت با گبر و مسلمان پیرما
خواند با هندوکشِ سرکش سرود همدلی
ماند پامیر جوانی را نگهبان پیر ما
تا نپندارند خود بین است آیین جهاد
می دهد این گونه سر در راه جانان پیرما
داد رسم عشق را آرایش از گبر و سرخ
کشت یاقوت فتوت بر بدخشان پیرما
جان فشانی نزد عیاران به رنگ دیگر است
می کند با خون خود ترجیم شیطان پیرما
نیست هرگز دیو و دد را از مدارا آگهی
مهربانی کرد بی حاصل به گُرگان پیرما
راه و بر در شهر خود خواهان نمی گنجد عزیز
رو برون رو تا بیابی در بیابان پیرما
باز مضمون دیگر از حیلهٔ اهریمنان
باز دین و داد را استاد و برهان پیرما
گرچه حقی هست از همسایه بر همسایه نیک
پشت پاکستان ندید و روی ایران پیر ما
روی آیت های انسانیست نابودش مخوان
خاک در دل جا دهد چون گنج پنهان پیرما

....

رهبر خلیق

مریم رسولی از ولایت پروان

ای شهر یار ملک دلیران آسیا
آزادگی بنام تو ماناست مرحبا
سرنامهٔ ستودهٔ ملت تو بودی ای
سر کردهٔ شرافت و آزادگی بما
ای سرور دلاور، ای رهبر خلیق
ای آفتاب باور و ای بندهٔ خدا
کوشنده در قیام دلیران سرزمین
آزرده از هجوم خبیثان بی حیا
وابستگان پست پی مرگت آمدند
در پیش رو نهاده بتو دام صد جفا
دشمن کلید خانهٔ ما دست خود گرفت
در شامگه در آمد و بگرفت نخبه ها
از کف چو رفت رهبر و فرماندهٔ بزرگ
دیو آمد و برآمده در پشت بامها
در جاده ها و کوچهٔ ما جز سکوت نیست
مردم به دام دشمن و این انتحار ها
باری بپاس خون شهیدان این دیار
دستی بهم دهیم و ببندیم مرزها
هرکو بنام حق بدهد سر ستوده باد
جاوید باد نام شهیدان آریا

مرثیهٔ به رهبر شهید استاد ربانی (رح)

الحاج قاضی مستمند غوری

اوستادا پدرا نخل بزرگ کهنا
رهبرا سروکشن شاخ هزاران چمنا
نازنین گوهر و دُردانهٔ یکتای وطن
لعل رنگین بدخشان و عقیق یمنا
ای تو برهان برازندهٔ شایستهٔ دین
ای تو دانشور ربانی بس علم و فنا
نور ایمان تو تابنده تر از صبح سپید
چهره ات تازه از شاخ گل یاسمنا
بزم تو بود دل افروز تر از جلوهٔ ماه
زان همه نور نگه، زان همه شیرین سخنا
علم با حلم تو یکجا شد و زیبا گردید
کرد معروف ترا باز به خُلق حسنا
جایگاه تو فراتر بود از چرخ بلند
بل فراتر ز مقام مه و مهر و پَرنا
اثر خامهٔ والای تو چون لعل و گهر
پر ز حکمت همه ز آیات حق و از سننا
حرف تو بود که بر رشتهٔ حق چنگ زنید
هیچگاهی ندهید از کف خود این رسنا
حرف تو بود، که در صلح و صفا بگرائید
تا شود خاک وطن پر ز گلِ نسترنا
حرف تو بودکه ملت همه باهم باشد
نبود، صفحهٔ پیشانی کس پر شکنا
حرف تو بودکه ما یکدل و یکجان باشیم
هیچ نبود سخن از تفرقه و ما و منا
هر چه گفتی همه از منهل قرآن گفتی
هیچ چیزی تو نیفزوده یی از خویشتنا
خُلق نیکوی تو معلوم به هر خُرد و کلان
مهر و الطاف تو مشهور به هر انجمنا
ای علمدار وفادار فداکار جهاد
ای مبارک قدم ای رهبر ای مؤتمنا
چون تو بودی همه جا داعی اسلام عزیز
پنج دهه شدی زین راهگذر ممتحنا
پنج دهه به ره حق تو چو کوه ستوار
ایستادی و ندادی تو به بیداد، تنا
بود پیکار تو بر ضد عدو هرشب و روز
بر سر خصم زبون هر نفست، تاختنا
اثر دعوت تو در همه اکناف وطن
جبهه و سنگر تو در همه دشت و دمنا
لشکر روس ز پیکار تو یکسر بشکست
می سزد تا به تو گوئیم که: لشکر شکنا
در رهٔ دین خدا جان گرامی دادی
همچو لاله تو شدی پرپر و خونین کفنا
رفتی و بر دل ما داغ ابد ماند به جای
گشت در دیدهٔ ما جمله جهان پرمحنا
تو سر و سرور و سرخیل عزیزان بودی
رفتی و خانهٔ ملت شده بیت الحزنا
گریه کردند به اندوه تو ای رهبر دین
جمله افراد وطن سر بسر از مرد و زنا
آن قدر اشک بریزم که دگر اشک نماند
به رثای تو فروزان مه و مهر وطنا
نام نیک تو بود زنده به اعصار و قرون
جاودان در همه دوران و زمین و زمنا
حق ترا در دل فردوس برین جای دهد
بر تو از حلهٔ الطاف دهد پیرهنا
زین همه کوشش و پیکار تو در راه جهاد
اجر نیکو دهدت پادشهٔ ذوالمننا
بر گرفتند ز آغوش تو فرزند عزیز
وطنا وا وطنا وا وطنا وا وطنا
دارم امید که شام سیه ات روز شود
حق نجاتت دهد از این همه شور و فتنا
(مستمندا) من از آن قادر یکتا خواهم
تا سیه روی شود فتنه گرِ اهرمنا

د استاد مقام

حاجي گل عزيز کامه وال

چه مي لوړ به انسانانو کښې مقام دی
چه له شهدونه شيرين يي هر کلام دی
چه ئی پوهه په ښو بدو د دنیاکړو
رابخښلی ئی ښه زیری ښه الهام دی
چه زینت ئی دی نړی ته دی ورکړی
په نیکۍ باندی قایل ئی خاص او عام دی
شیخ، زاهد او که عالم د دی جهان دی
ستاله فیضه برکته ئی لوړ نام دی
ای زمونږ معنوی پلاره عزتمنده
ای استاذه روښنايي دی هر يوګام دی
تا بهر کړو د تیارو له جهالته
څومره ستا د لاربښوونی لوړ مرام دی
چه رانده بینا کوي نو هغه ته یی
دا خو ستا د خصلتونو یو دوام دی
ای استاذه د ستا ځای دی خدای جنت کړی
په دنیا کښې فرض پر مونږ ستا احترام دی
ته مو سترګي ته مو زړه ته روښنايي يې
د عزيز کامه وال تاباندی سلام دی

سید محمد مستقیم

سفرنامهٔ شهادت

چه مبارک سفری؟!
سفری در رهی عشق!
سفری جانب دوست.
شام پرواز به سر منزل مقصود خیال–
پر گشودن به تمنای وصال.
و نسیم که در آن شام پیام از سفر نور آورد.
به بهشت ابدی خواند سفرنامهٔ سر قافله را–
مرگ یک جامعه را.
***
عرشیان بگریستند–
قلب آگنده ز درد و اندوه.
قدسیان کوچیدند.
و ملایک همه با آه حزین رخت سفر سوی زمین بر بستند–
پای پر آبله و اندوهگین.
تا–
سفر رهبر یک ملت را–
مرگ اسطورهٔ یک ملت را–
به عزا بنشینند.
و تماشاگر آبستن فریاد به گهوارهٔ گیتی باشند.
***
سوگواران زگلوهای پر از غصه صدا سر دادند:
که مگر کرهٔ خاکی ترکید–
یا که خورشید فرو مرد و سیه شد مهتاب.
رفت از محمل وا ماندهٔ ما–
سرور قافله و پیک حق و نور شهاب.
***
زندگی یک سفر است–
سفر پرخم و پیچ–
رهی مقصود پر از واهمه و ناهموار–
و نهایت پرخار.
جز به پرواز به آن قله دگر راهی نیست.

شب شعر و خاطره...

ادامه از صفحهٔ اول

در این محفل صلاح الدین ربانی سرپرست جمعیت اسلامی افغانستان و رئیس شورای عالی صلح، نیز سخنرانی کرد، صلاح الدین ربانی ضمن قدردانی از برگزار کنندگان همایش مردمی در مرکز و ولایات، سمینار بین المللی در کابل و شب شعر به مناسبت نخستین سالگرد شهادت استاد، تصریح کرد شب شعر در حقیقت بازخوانی اندیشه ها وآموزه های شهید صلح طی ۴ دهه پیکار و مبارزات خستگی ناپذیر ایشان است. متن کامل سخنرانی ایشان در همین شماره نشر شده است.

در شب شعر افسر رهبین شاعر شناخته شدهٔ کشورگفت: باید برای استاد لقب قهرمان صلح از سوی دولت داده می شد، زیرا استاد نخستین کسی است که قدرت را در تاریخ سیاسی افغانستان به طور مسالمت آمیز تسلیم کرده است. آقای رهبین افزود: جهاد استاد، ایستادگی استاد و سراسر تلاش استاد در تاریخ پسین، برای اعادهٔ صلح و عدالت در کشور بود.

دکتر عبدالقیوم قویم استاد دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه کابل در ضمن این که به خوانش شعر پرداخت با ذکر خاطراتی از استاد و تبحری که جناب شان در علوم داشتند گفت: با آنکه استاد در بخش الهیات تخصص داشت، اما در صحافت و ویراستاری نیز دست بالا داشت. او افزود: زمانی که من در سال ۱۳۵۰ مدیر مسؤول مجله ادب دانشکدهٔ ادبیات بودم، در مورد برخی مقالات علمی از استاد نظر می خواستم و بعضاً این مقاله ها را از لحاظ شکل و محتوا شخص جناب استاد شهید ویراستاری می کردند.

استاد واصل نور مهمند معین وزارت کار امور اجتماعی، شهداء و معلولین نیز در این محفل سخنرانی کرد. استاد واصل نور مهمند با ذکر چند خاطره گفت: زمانی که استاد در سال۱۹۸۶ به روسیه سفر کرد هر حرف و قدمش درسی برای روس ها وخاطرهٔ فراموش ناشدنی بود. آقای مهمند افزود: هنگام گفتگو استاد از روس ها قصداً پرسیدند که هوایی مسکو چگونه است؟ روس ها در جواب گفتند که خیلی هوای سرد است. استاد در جواب گفتندکه، تمام تانک و توپ و دود و آتش را به کشور ما فرستاده اید کشور تان خود به خود سرد است.

قدریه یزدان پرست، با ذکر خاطرهٔ از استاد گفت: نگاه استاد نسبت به جنبش زن یک نگاه منطقی و عقلانی بود، چیزهای که امروز در مورد زن گفته می شود، از مکونات اصلی و ذهنی استاد شهید در دوران حیات شان بود. خانم یزدان پرست افزود، استاد شهید نخستین رئیس جمهور در کشور بودند که در سال ۱۳۷۲ به مؤسسهٔ نسوان آمدند و روز زن را به تجلیل گرفتند.

در شب شعر و خاطره ذوات آتی شعر و خاطرهٔ خود را به خوانش گرفتند: محترم گل عزیز کامه وال، هارون الرشید معین وزارت مبارزه با مواد مخدر،آقای وحیدالله سباوون مشاور رئیس جمهور در امور اقوام و قبایل، قاضی غوث الدین مستمند غوری، الحاج حبیب الله محمدی از سمنگان، نور محمد نور نیا از بلخ، شاه رضا منشی زاده از فاریاب، مریم رسولی از پروان، سید محمد مستقیم از بدخشان، غلام نبی صادق یار از خوست، داکتر خاموش کوهستانی از کاپیسا، سبحان قل نامول از قندز، محمد الیاس ذره، داکتر شمس الحق آریانفر، سیدا جان صائبی و محمد ظاهر رستمی از هرات، رحمت الله بیژن پور، احمد ضیاء از تخار، استاد محمد ناصر ظریفی از بلخ، سروده های خود را به دکلمه گرفتند.

قابل یادآوری است که فضلی آماج سرودهٔ جناب استاد شهید را که هنگام زیارت مقبرهٔ مولانا جلال الدین بلخی در سال ۱۳۶۹در ترکیه سروده بودند به دکلمه گرفت. در این همایش زینب حکیمی شعری را از نور ا... وثوق شاعر مقیم کشور سویدن، به همین مناسبت نیز دکلمه نمود.

نسبت ضیقی وقت به بیش از ۳۰ نفر شاعر و سخنرانانی که قرار بود آثار خود را به خوانش بگیرند نوبت نرسید و کارگردان، با ذکر نام شان از آنان معذرت خواست.

به پاس خدمات خستگی ناپذیر دست اندرکاران برگزاری همایش نخستین سالگرد شهادت استاد شهید و نمایندگان برخی رسانه ها در ختم محفل تقدیر نامه از سوی دفتر مرکزی جمعیت اسلامی افغانستان اهداء گردید و بدین گونه این مراسم به یاد ماندنی به پایان رسید.

قابل یادآوریست که گردانندگی محفل شب شعر به شکل گروهی توسط محترم آقای مسعود ترشتوال، خانم منیره بهارکی و آقای توحیدی صورت گرفت که ذاتاً دارای تنوع بود.



چرا حساسیت در برابر پوهنتون شهید صلح پروفیسور برهان الدین ربانی؟

محمد نسیم فقیری

دولت جمهوری اسلامی افغانستان در یک اقدام نیکو و بجا، پوهنتون تعلیم و تربیه در کابل را به پاس جهاد، مقاومت و مبارزات خستگی ناپذیر شهید پروفیسور برهان الدین ربانی، به نام مبارک ایشان نامگذاری کرد. تاریخ پرشکوه کشور سلحشور و دلاوران افغان که قرن ها در برابر تجاوز گران خارجی و مستبدین داخلی، مشحون از مبارزات دلیرانه و افتخارآفرین است، شاهد تبارز شخصیت های بزرگ و نامدار وطن ما است که نسل های دیروز، امروز و فردای کشور ما به نام نامی این رجال سرافراز و سربلند و برکارنامه های بزرگ آنان افتخار می کنند.

چهره های معروف و برازندهٔ جهان و کشور ما بر همگان آشکار و یا کمتر پنهان مانده است اما نام بزرگ و شکوهمند رهبر جهاد، مقاومت و صلح در کشور ما، بر همگان روشن و آفتابی است که مرزهای شناخت و آشنایی او از قلمرو کشور ما، منطقهٔ ما و براعظم ما فراتر می رود.

در مورد شخصیت بزرگ شهید استاد ربانی، در بارهٔ رهبری نهضت و جمعیت اسلامی در دههٔ دموکراسی، در مورد رهبری میلیون ها مجاهد و مهاجر نامدار وطن در برابر تجاوز شوروی و رژیم کودتاها و مقاومت در برابر هجوم اجنبی ها و دنباله روان شان، سال های زعامت دولت اسلامی و ریاست جمهوری انتخابی، افتخار انتقال قدرت متمدنانه و احترام به فیصله نامهٔ بن و بالآخره زندگی در زیر بیرق کشور به حیث رهبر میلیون ها هموطن و بالآخره پذیرفتن زعامت شورای عالی صلح و آمادگی برای خدمت صادقانه در امر صلح، همزیستی مسالمت آمیز و آشتی با هموطنان و بالاخره استقبال گرم و آغوش باز از فرستادهٔ مخالفان و در نتیجهٔ شهادت فخرآفرین در راه صلح و آشتی از مشخصات بارز و ماندگار این شخصیت بزرگ وطن، عالم و سیاستمدار باریک بین و عاقبت اندیش جهان اسلام و بشریت است که هر انسان وطندوست و معتقد به ارزش های ملی، او را پاس می دارد و مانند میلیون ها انسان در کشورما و کشورهای دنیا از مقام شهادت او تجلیل می دارند و جایگاه او را در مرتبهٔ رفیع و اوج قله های شرف، عزت و افتخار احترام می نمایند.

تصمیم نکو و قدرشناس دولت ما از شخصیت بزرگ شهید صلح، حق مسلم او را بر مردم و دولت افغانستان تاحدود رعایت کرده و موجب تحسین و شادباش است.

<u>در درازای تاریخ:</u> در طول تاریخ بشر، دیده شده است که همه پیامبران الهی در کنار اینکه تعدادی از پیروان و رهروان راه حق با آنها بوده و این پیامبران بزرگ را همراهی کرده اند، برعکس کسانی دیده شده اند که با دلایل واهی و بی اساس، راه پیامبران را به سوی خداشناسی و هدایت و رستگاری سد کرده و در برابر پیامبران خدا، صف آرایی کرده اند...

تاریخ بشر و قصص انبیاء و هزاران ورق زندگی پیامبران پیشین و مبارزات آنها و کارشکنی ها و دشمنی های پیروان شیطان، مصداق عملی این تاریخ همیشگی ابنای آدم است.

در تاریخ، نمونه های زیادی دیده شده که پیروان جهل و گمراهی در برابر مصلحان و اندیشمندان بزرگ، خصومت ها و حسادت ها کرده اند و همواره جلو راه دانشمندان را گرفته اند...

<u>در افغانستان:</u> ما امروز به حکم قانون اساسی افغانستان، همه افغان و از یک کشور و همه باهم خواهر و برادریم. قانون اساسی جمهوری دین مقدس اسلام را به حیث دین دولت پذیرفته و هیچ قانونی نمی تواند که مخالف ارزش های اسلامی در کشورما نافذ و عملی شود.

ما افغان ها همه شخصیت های نامدار کشور خویش را احترام می نماییم و آنان را از مفاخر افغانستان می دانیم. اما مطالعهٔ تاریخ کشورما برای هر افغان لازم و ضروری است و باید واقعیت هایی را مد نظر گیریم و زیاده روی نه نماییم.

- ما در مورد احمد شاه بابا که او را مؤسس افغانستان نوین می خوانیم و بر کارنامه ها، سیاست، رشادت ها و قهرمانی های او در زمان سلطنت و ماقبل سلطنت او افتخار می نماییم اما ناگفته نباید گذاشت که به روایت تاریخ سرزمین ما و با نگاهی به کتاب های مهم و عظیم تاریخی کشور و به خصوص «افغانستان در مسیر تاریخ» از میر غلام محمد غبار و « افغانستان در پنج قرن اخیر» نوشتهٔ میر محمد صدیق فرهنگ، چند مطلب مهم را اقتباس می کنیم و نگارندهٔ این سطور که از شرق افغانستان و متعلق به خانوادهٔ پشتون (از مادر پدر) است از روی واقعیت این نکته ها را بیان می نمایم:

۱- "در سال ۱۷۴۹ میلادی، احمد شاه بابا مشغول سفر به خارج بود. توطئهٔ قتل و انهدام دولت مرکزی را نمودند ولی احمد شاه که استخبارات مفصلی داشت، تمام آن دستهٔ بزرگ را در قندهار اعدام نمود."

۲- "احمد شاه بابا در سفر هندوستان، اطلاع یافت که مخالفین او در قندهار و لغمان، خان ابدالی را تحریک نمودند و قصد پادشاهی او را داشتند، ولی احمد خان با برگشت به قندهار همه مخالفین را منهدم کرد و برادر زاده را به حبس افگند که در حبس بمرد."

۳- « در اوایل سال ۱۷۴۹، به استقامت غرب حرکت کرد و به هرات رسید... احمد شاه شهر را گرفته، امیرخان را اعدام و حکومت را به درویش علی خان هزاره داد.»

۴- « در مشهد... دستهٔ توطئه کنندگان خاندان های بزرگ را اعدام نمود.»

۵- « سفر به لاهور... شکست شهنواز خان و فرار به دهلی و داخل شدن احمد شاه به شهر و فرستادن هیاتی از مسلمان و هندو و خواهش اینکه در بدل سی لک روپیه از غارت نمودن شهر و قتل عام ساکنین آن صرف نظر شود... احمدشاه این معامله را پذیرفت... گرچه بعضی از خانه ها و محلات شهر غارت شدند...»

۶- « ... غارت و چپاول شهر دهلی توسط قوای افغان بود که در ضمن آن جان و مال مردم آن شهر، اعم از هندو و مسلمان، بی باکانه مورد تعرض قرار گرفت و تلفات زیاد بر ایشان وارد شد. مولف تاریخ احمد شاهی می نویسد:

« القصه در آن هنگامهٔ علامه به هر یک از مومن و موحد و مشرک و ملحد، خسارات مالی و جانی رسید و نیک و بد و حُر و عبد آماج ناوک نهیب و تاراج گردیده و به ذلت قتل و اسیر گردیدند.»

۷- احمد شاه در مراجعت از نیشاپور به هرات « در راه لشکر او با شدت سرما مواجه گردیده، قسمت بزرگ آن ضایع شد... سردار جمعه خان که قصهٔ بازگشت را شرح داده، می گوید که در کافر قلعه، در یک شب هژده هزار تن از سرما تلف شدند و تقریباً به همین تعداد در موقع عبور از هریرود در کهسان در اثر شکستن یخ در آب منجمد افتاده، از بین رفتند.»

۸- در اوایل ۱۷۵۰ احمدشاه باز به سوی خراسان غربی لشکر کشید... بعد شهر را به دست غارت و چپاول سپرد، سپس به سبزوار لشکر کشید، آن شهر را نیز غارت کرده اهالی آن را قتل عام نمود.»

- اما امروز در کشور ما و در محیط مهاجرت، پوهنتون احمد شاه بابا، مکتب ها و شهرک های به نام احمد شاه بابا مینه داریم و هرگز مورد اعتراض ما قرار نگرفت.

- در مراد خانی، لوحهٔ جادهٔ عاشورا به تاریخ ۱۱ میزان زده شد و وزیر اطلاعات و فرهنگ و شاروال کابل در مراسم آن شرکت کردند. این به خاطر حرمت به شهدای مظلوم ما بود و مورد تحسین قرار گرفت.

- لیسهٔ بسیار قدیمی در مهترلام مرکز ولایت لغمان به نام لیسهٔ روشان وجود دارد و در مورد این شخصیت بزرگ، حتی در زمان حیات او، مخالفت هایی صورت گرفته و به نام پیر تاریک معروف گردیده است.

- در مورد شخصیت و کارنامه های بزرگ ابومسلم خراسانی و خوشحال خان ختک که ما افغان ها به نام های این بزرگان افتخار می کنیم، چه حرف های ناصوابی که در تاریخ های ما ننوشته اند و چه واقعیت ها را بیان نداشته اند و...

از جمع بزرگ محصلین پوهنتون، جمع کوچک اما متحرک و با انگیزه از سوی حلقات خاص، تحریک شده و بهانه هایی آورده اند و از جمله می گویند که پوهنتون جدید تأسیس و به نام شهید صلح «پروفیسور برهان الدین ربانی» نام گذاری شود و...

اما، دولت تصمیم گرفته و باید عملی شود و صد ها جوان و محصل این پوهنتون، حاضر و آماده اند تا از این تصمیم دولت، جانبداری نمایند و آن ها نیز اجتماعاتی را دایر نمایند ولی از محصلین مذکور خواهش شده که عمل بالمثل نکنند و راه شهید صلح را به راه تقابل و مخالفت نکشانند. محصلین مذکور ادعا دارند که در کنار محصلین آن پوهنتون، ده ها محصل دیگر از پوهنتون کابل، لیسهٔ خوشحال خان و موسسات تحصیلات عالی خصوصی نیز آمده اند و ظاهراً در این اعتراض شریک اند...

اما؛

شهید پروفیسور برهان الدین ربانی:

- سال ها استاد پوهنتون بوده و در عقاید ماستری از پوهنتون الازهر داشت و برای دوکتورا نیز ثبت نام کرده بود....

- ده ها استاد پوهنتون و صدها محصل پوهنتون در دوره های مختلف در محضر او شاگردی کرده و علم آموخته اند...

- در زمان زعامت و رهبری نهضت اسلامی و جمعیت اسلامی افغانستان از جهان وطنی و افغان شمولیت فکر و راه خود صحبت کرده و همه را هموطن و راهیان راه خدا و هدایت خوانده و راه باز و فراخ مبارزهٔ اسلامی را پیش روی همه گشوده است...

- در عهد رهبری جهاد و مقاومت تاریخی مردم افغانستان که در دیباچهٔ قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان نیز درج است، افتخار بزرگ را نصیب ملت قهرمان افغانستان ساخته و امروز همه از جهاد افغانستان حمایت می کنند.

- رهبر جهاد و پیشوای بخش بزرگ مجاهدان و مهاجران، که امروز محبوب قلوب اکثر افغان هاست، حتی کسان و گروه های که در مبارزات فکری با شهید صلح، مخالفت داشتند و یا در دوران جهاد در صف مخالفان او قرار داشتند، امروز همه به او احترام می گذارند و پیام های تسلیت از سوی نهادهای متعلق به آنها به ریاست شورای عالی صلح و دفتر مرکزی جمعیت اسلامی افغانستان رسیده که از همهٔ آن ها تشکر می نماییم.

- رهبر جهاد، که در چهارده سال جهاد مسلحانه از دین، عزت و سربلندی مردم مسلمان و آزادهٔ افغانستان در برابر تجاوز و استبداد دفاع کرده است.

در زمان زعامت و رهبری دولت اسلامی و ریاست جمهوری انتخابی، هرگز:

- امر به قتل و کشتار نداده و همیشه راه صلح و آشتی را برای مخالفان (از هرنوع) پیشنهاد کرده است.

- در زمان اقتدار خویش، نزد آقای حکمتیار به بگرامی رفته و آماده گی خود را برای رفتن به کندهار و ملاقات با ملاعمر، اعلام داشته است.

- او که همیشه- قبل از ریاست شورای عالی صلح و در ریاست آن – داعی صلح بوده و بالاخره در این راه پاک، قاتل را در آغوش گرفته و شهید گردیده است.

پس:

آیا همچو شخصیتی سزاوار نامگذاری یک پوهنتون نیست؟

<u>در کشور های دنیا:</u> در همه کشورها و از جمله در همسایه های ما پوهنتون های به نام بزرگان این کشورها وجود دارد...

پوهنتون قائد اعظم در پاکستان و پوهنتون شهید بهشتی در ایران یکی از نمونه های آن است.

همه می دانیم که مخالفان محمد علی جناح و بهشتی همه در زمان حیات شان و هم امروز وجود دارند ولی هرگز دیده نشده که محصلین آن پوهنتون ها، مخالفت کرده باشند...

پس به محصیلین عزیز پوهنتون شهید صلح پروفیسور برهان الدین ربانی است که اخلاق و مدارای اسلامی را حفظ نمایند و به بهانه های گوناگون جلو اقدامات نکوی دولت را نگیرند و در شرایط کنونی با جریان بزرگ صلح و همزیستی، همراهی نمایند و با این بهانه ها، آب را به آسیاب دشمن نریزند.

استاد ربانی شهید رهبر مبارزات و ...

ادامه از صفحهٔ سوم

کودتای خونین هفت ثور و به تعقیب آن اشغال کشور توسط ارتش تجاوزگر شوروی سابق مردم افغانستان را به مهاجرت های عمومی و قیام همه گانی مجبور ساخت که در نتیجهٔ شرایط داخلی و اوضاع منطقه ای و مداخلات کشورهای همسایه احزاب و گروه های جهادی مختلف شکل گرفت و مردم افغانستان به حکم روابط قومی و مذهبی به احزاب و گروه های متعدد پیوستند. جمعیت اسلامی افغانستان نسبت به سایر احزاب و گروه های جهادی بستر اقشار مختلف مردم افغانستان قرار گرفت و استاد شهید نسبت به سایر رهبران جهادی با افراد و اقوام مختلف کشور رابطهٔ بهتر ایجاد نمود که هیچ صاحب نظر آگاه و منصف این امر را تردید نمی کند. در همین راستا، استاد شهید با استفاده از میانهٔ خوب خود با احزاب و گروه های اهل تشیع مقیم در ایران، بیشترین تلاش های سیاسی را در مراحل مختلف جهاد و مقاومت برای وحدت و هماهنگی رستاخیز عظیم کشور انجام داد.

در سال های اخیر جهاد مردم افغانستان، استاد شهید همواره نقش محوری و اساسی در تشکیل حکومت های مؤقت مجاهدین ایفا نمود؛ چنانچه در حکومت مؤقت به قیادت انجنیر احمد شاه احمد زی و همچنان در حکومت انتقالی به زعامت حضرت صبغت الله مجددی، استاد ربانی شهید با آنکه دارای ثقل ویژه و برتر جهادی و مردمی بود، اما بدون تقاضای هیچگونه امتیازی برای حزب خود، ایفای مسؤولیت در پست های عادی را قبول نموده کدام واکنشی را در جهت تضعیف و شکست این حکومت ها و تجمعات جهادی انجام نداد. بعد از تشکیل حکومت انتقالی مجاهدین در یک نشست حزبی تعدادی از بزرگان جمعیت به عنوان اظهار نارضایتی استاد شهید را مورد انتقاد قرار دادند که جمعیت بار سنگین جهاد و مقاومت را حمل می نماید اما رهبری دولت انتقالی و امتیازات آن به دیگران تعلق می گیرد! جواب استاد شهید با خونسردی این بود که راه مبارزه دارای فراز و نشیب است، باید در برابر رویدادها با ثبات و استقامت برخورد نمود. ایشان فرمودند: من هرگز از مبارزه دست نخواهم کشید، هرگاه تنها بمانم باز هم به مدرسه ها خواهم رفت و جهاد و مبارزهٔ خود را ادامه خواهم داد!

همزمان با فروپاشی آخرین حاکمیت کمونستی، در حالی که نیروهای تحت رهبری استاد شهید با قیادت قهرمان ملی کشور شهید احمد شاه مسعود فاتحانه داخل کابل گردیدند، اما باز هم استاد شهید مطالبهٔ زعامت نخستین دولت اسلامی را نکرد؛ بلکه بخاطر اجماع احزاب و گروه های جهادی استاد شهید تحت زعامت حضرت صبغت الله مجددی وارد کابل گردید و به فیصله های احزاب جهادی التزام ورزید.

نقش محوری استاد در عرصهٔ بین المللی

استاد ربانی بحیث یک مفکر اسلامی و یک سیاستمدار آگاه، در میان سایر رهبران جهاد افغانستان در مراحل جهاد و مقاومت و سال های بعد در مسایل مربوط به سیاست خارجی افغانستان و روابط مجاهدین و مردم افغانستان با جهان اسلام و جامعهٔ جهانی نقش محوری و فعال ایفا نمود.

استاد شهید با درک عمیق از قضایای جهان اسلام و پیچیدگی های سیاست جهانی دوران جنگ سرد، مشکل افغانستان را با دید استراتیژیک تحلیل و ارزیابی می نمود. در حالی که در میان بیشتر رهبران جهادی و احزاب و گروه های اسلامی با قضیهٔ افغانستان برخورد عاطفی و احساساتی صورت می گرفت، اما استاد شهید قضایای مربوط به افغانستان را فراتر از دائره های گروهی و قومی مطرح نموده از عواقب وخیم اشغال افغانستان، اطماع کشورهای همسایه و کشمکش های قدرت های بزرگ برحذر می ساخت. استاد شهید تلاش می ورزید قضیهٔ افغانستان را از انحصار دستگاه های استخباراتی کشورهای همسایه، مخصوصاً استخبارات پاکستان فراتر مطرح نموده به صورت مستقیم با قدرت های بزرگ جهانی در چوکات منافع مشترک معامله صورت گیرد. در نتیجهٔ همین دیدگاه و برخورد چه بسا که استاد شهید و حزب و جبهات تحت رهبری ایشان از جانب دستگاه های استخباراتی کشورهای همسایه و احزاب و گروه ها و شخصیت های کمک کننده جهان عرب و اسلام مورد برچسب های گوناگون قرار می گرفت و از کمک های جهادی محروم می گردید. اما استاد شهید با قاطعیت اعلام نموده می فرمود: به جای اینکه با مامورین استخباراتی و در دهلیزهای تاریک گفتگو شود، بهتر است در روشنایی و با زمامداران کشورهای جهان گفتگو نماییم و قضیهٔ عادلانهٔ کشور خویش را بازگو نماییم.

با این طرز دید، استاد شهید از هر فرصتی که دست می داد فعالیت های بزرگ سیاسی را آغاز نموده تحولات سیاسی چشمگیر را رقم می زد. چنانچه در دورهٔ ریاست دوره ای خویش سفر هیأت مجاهدین را به امریکا رهبری کرد و مستقیما با ریگان رئیس جمهور امریکا گفتگو نمود. این سفر هیاهوی زیادی را در میان احزاب و گروه های جهادی و همچنان در میان سازمان ها و شخصیت های جهان اسلام برپا ساخت، اما گذشت زمان صحت و بعد نظر استاد شهید را ثابت نمود.

در همین راستا استاد شهید در میان شک و تردید و تبلیغات منفی بسیاری رهبران جهاد وگروه های اسلامی سفر تاریخی به مسکو انجام داد و با رهبران کرملین گفتگو نموده جنایات ارتش اشغالگر سرخ و رژیم های مزدور شان را با صراحت و قاطعیت بازگو نمود. بدین ترتیب استاد ربانی در میان سایر رهبران جهادی یگانه کسی بود که در قضایای اساسی عاطفی نمی اندیشید، بلکه دید و برخورد واقع بینانه داشت و مشکلات و رویدادها را با افق باز مورد ارزیابی و معالجه قرار می داد. استاد شهید در تصمیم گیری ها و برخورد های خود با خود کفایی و استقلالیت عمل می کرد و هیچگاهی زیر بار فشارها و تأثیرات دیگران قرار نمی گرفت. استاد شهید همیشه محور تصمیم گیری ها و تحولات بود و دیکته های قدرت های خارجی و نفوذ بیگانگان را به حساب ارزش های فکری و منافع ملی و استقلالیت جهاد و مبارزه قبول نمی کرد. استاد شهید مرد مقاوم و سخت کوش بود که در سخت ترین شرایط از سنگر مبارزه و مقاومت عقب نشینی نکرد. شرایط دشوار دوران مقاومت گواه زنده ای مبنی بر ثبات و مقاومت استاد شهید است. در این دوره استاد شهید همراه با یاران و همرزمانش سخت ترین فشارها و حملات داخلی و خارجی را تحمل نمود، اما بحیث رهبر جهاد و مقاومت از مسؤولیت های تاریخی و ملی خود هیچگاهی شانه خالی نکرد، و همین ثبات و مقاومت و ثقل شخصیت استاد شهید بود که مشروعیت دولت اسلامی را تا پایان حفظ نمود و سر انجام دشمن را از پا درآورد.

بازهم استاد شهید یک انسان بود

آنچه در بالا اشاره گردید گوشه ای از ابعاد شخصیت استاد شهید را منعکس می سازد، شخصیتی که فضایل اخلاقی، صفات عالیهٔ انسانی و خصوصیت های فراوان قیادت و رهبری را در خود جمع نموده بود. از پروردگار متعال مسئلت داریم این فضایل و خوبی ها را در میزان حسنات استاد شهید حساب نماید و از خطاها و لغزش هایش درگذر شود و او را در جوار رحمت بی پایان خویش قرار دهد. ما در حالی که به استاد شهید با چنین نگاهی می بینیم؛ اما ایشان را معصوم و مبرا از خطا نمی دانیم، و برایشان دعای خیر و طلب آمرزش می کنیم، و کسانی که نسبت به رهبران و پیشوایان دینی و سیاسی جایگاهی بالاتر از این قایل می شوند خود اشتباه می کنند و برای پیشوایان خود سودی نمی بخشند. در قاموس اسلام تنها پیامبران معصوم اند و به فرمودهٔ نبی خاتم «همه فرزندان آدم در معرض خطا اند»؛ مجتهدان دینی و پیشوایان سیاسی خطا می کنند، اما مطابق اخلاص و نیت شان اجر و پاداش می گیرند. انسان هایی که جهاد و اجتهاد می کنند به لغزش و خطا نیز معرض می شوند که استاد شهید از این قاعده مستثنا نخواهد بود. شاید استاد شهید در مسیر طولانی مبارزه و جهاد و اجتهاد دچار لغزش ها و شکست هایی گردیده باشد که تاریخ و نسل های بعدی در بارهٔ آن قضاوت خواهند نمود، اما آنچه مهم است اینکه ره[illegible] علمبرداران استاد شهید باید بهتر بیاموزند و میراث مبارزه و جهاد استاد شهید را به درستی و نیکویی حمل نمایند.

د ننگرهار په ګرځنده هوټلونو د خلکو نیوکې

جاوید خاموش

د ننګرهار ولایت ګڼ شمیر اوسیدونکي په ښار کې دګرځنده هوټلونو د زیاتوالي څخه سرټکوي او وایي دوي له یوې خوا ځانګړی ځای نلري او له بلې خوا پاکوالي ته هیڅ پاملرنه نه کوي. دغه اوسیدونکي په اړونده چارواکو نیوکه کوي چې د دغې ستونزې د مخنیوي له پاره یې هیڅ نه دي کړي. د جلال اباد ښار یو تن اوسیدونکی عبدالله صداقت په دې هکله داسې وایي (د ښار په مختلفو برخو کې ډیر زیات ګرځنده هوټلونه موجود دي چې پاکوالي ته هیڅ پاملرنه نه کوي او له امله یې ډول ډول ناروغی رامنځ ته کیږي. دې وایي ښاروالی او نورو اړونده چارواکو دې خبرې ته پام نشته او نه یې د مخنیوي لپاره څه کړي دي. داپه داسې ده چې یوشمیر کسان دا مني چې د ګرځنده هوټلونو خوراکي توکي روغتیایي نه دي داچې د نورو هوټلونو په نسبت یې بیې ټیټې دي نو څکه خلك په کې خواړه خوري. په جلال اباد ښار کې عبدالله یواځې هغه څوك نه دې چې دا خبرې کوي بلکې ډیری اوسیدونکي په یادو خبرو ټینګار کوي او ترې اندیښمن دي.

د جلال اباد ښار د دوهمې ناحیې اوسیدونکی مظفر په داسې حال کې چې د سرك د غاړې د یو ګرځنده کبابي مخې ته د کباب د خوړلو په حال کې دی وایي (موږه مجبور یو غریبي ده همدغه خوراك په نورو هوټلوکې په څلور پینځه سوه پلورل کیږي او د سرك په سر په هوټلونو کې په اتیاتوي کلداري پلورل کیږي) نوموړی همدا راز وایي دغه هوټلونه چې خوراکي توکي یې په خراب چاپیریال کې پښیږي د انسان روغ صحت له ګواښ سره مخ کوي او تر ډیره پکې هغه څه پښیږي او خرڅیږي چې دکیفیت له لحاظه هم کمزوري وي.

یواځې عام وګړي له دې سرنه ټکوي بلکې ډیری دولتي چارواکې هم دغه ګرځینده هوټلونه دناروغیو د زیاتیدو سبب ګڼي او د مخنیوي په برخه کې یې ښاروالی پړه بولي.

داچې په دغو هوټلونو کې خوراك کول د انسان صحت ته څومره زیان لري او له دې څخه کومې ناروغی پیداکیږي په دې اړه ډاکټر عبدالحلیم دوست داسې وایي (په هغوو هوټلونو کې چې سر لوڅې، د ویالو په غاړه او په خراب چاپیریال کې فعالیت کوي د انسان صحت له پاره ډول ډول ناروغی راپیداکوي لکه اسهال، پیچش، ستوني درد، د معدې خرابوالي او د دې هوټلونو هغه لوبیا او چولې چې په کې موجودې دي دګوردو د ناروغی د رامنځ ته کیدو سبب هم ګرځي)

ګل اغا هغه څوك دي چې د جلال اباد ښار د تلاشې په څلور لارې کې ګرځنده هوټل لري دي بیا ټینګار کوي چې موږ ډیره هڅه کوو ترڅو پاکوالي په نظر کې ونیسو، خو وایي چې موږ د کیناستو له پاره مناسب ځای نه لرو او مجبور یو تر څو د سرك په سر کار او بار وکړو. هغه په ښاروالی نیوکه کوي چې هغه کثافت داتیاني چې زموږ ترڅنګه موجو دې دي چې کله له ګنده ډکې شې ښاروالی یې پوښتنه نه کوي نو همدا ده چې له دې څخه ګڼې ناروغی پیداکیږي.

د ننګرهار ولایت د چاپیریال ساتنې رییس شاه محمود مومند وایي چې (دغه ګرځنده هوټلونه په چاپیریال ډیره ناوړه اغیزه لري. او صحت ته زیان رسوي نو زه وایم چې اوس مهال دایوه چاپیریالي ستونزه ده) نوموړی زیاتوي چې څو ځله مو له ښاروالی غوښتنه کړیده ترڅو د دې مخنیوی وکړي څکه چې د دوې مسولیت دې خوتر اوسه یې کومه مثبته پایله نه ده معلومه شوې. د ننګرهار ولایت د ښاروالی د پلټنې مدیر عبیدالله بیا په دې اړه داسې وایي (د دې ستو نزې د حل له پاره موږ جدي کمپاین روان کړې دی په نږدې راتلونکي کې به یو ځانګړی کمیسیون د عامې روغتیا د ډاکټرانو پر مټ جوړ شي او د دغو ګرځنده هوټلونو د مخنیوي له پاره به کار شروع کړي) دې زیاتوي چې دا هر څه په راتلونکو کې بیل ترڅو د جلال اباد ښار له دې ګرځنده هوټلونو څخه خلاص شي. په ننګرهار کې دا له ډیرو نورو پرتو ستونزو سربیره عمده او زړه خوړونکي ستونزه ده چې له ډیر وخته په دې ښارکې موجوده ده، له امله یواځې دانه چې خلکو ته یې روغتیایي ستونزې راولاړې شوې، بلکې خلك یې له ډیرو اقتصادي ستونزو سره مخ کړیدي، او چارواکې یې په له منځه وړلو کې پاتې راغلي

هفته نامهٔ
مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکنند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما
رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا
از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال یازدهم – شمارهٔ (۲۷) ۱۵میزان ۱۳۹۱ ۲۰ ذوالقعده الحرام ۱۴۳۳ - 6 October 2012

وحید مژده

قرارداد استراتژیك با پاکستان

امضای پیمان های استراتژیک میان افغانستان و کشور های مختلف اکنون مبدل به یک برنامهٔ بی مفهوم و مضحک شده است. در ابتدا گفته شد که افغانستان با ایالات متحدهٔ امریکا پیمان استراتژیک امضا خواهد کرد تا از مداخلات کشور های همسایه در امور داخلی افغانستان جلوگیری گردد. این سروصدا ها طوری سازمان داده شد که گوئی امضای قرارداد با امریکا حلال همه مشکلات افغانستان خواهد بود.

پارلمان افغانستان نیز به شکل بسیار مرموزی بدون اینکه حتی متن پیمان را به خوانش بگیرد، آنرا چشم بسته امضا نمود در حالی که از همان آغاز کار مشخص بود که این گونه پیمان ها برای دفاع از افغانستان نیست چنانچه اندکی بعد از امضای این پیمان، حملات راکتی و توپخانهٔ پاکستان به مناطق سرحدی افغانستان شدت گرفت و امریکا در برابر آن خاموش باقی ماند.

این حملات موجب بحران سیاسی در داخل دولت افغانستان شد و سرانجام وزرای دفاع و داخله به دلیل جواب ندادن به این حملات، با رای عدم صلاحیت مجلس نمایندگان مواجه شده از وظایف شان برکنار شدند. افغانستان تهدید نمود که اگر این حملات ادامه یابد، مجبور است تا از پاکستان به شورای امنیت شکایت کند. زلمی رسول وزیر خارجه از ترس مواجه شدن با رای عدم اعتماد ولسی جرگه، شکایت افغانستان را به شورای امنیت برد.

اندکی بعد از شکایت افغانستان از پاکستان به شورای امنیت، مجمع عمومی سازمان ملل متحد آغاز شد و رئیس جمهور کرزی و هیئت همراهش در این مجمع شرکت ورزیدند. کرزی در سخنرانی خویش اصلاً اشاره ای به شکایت افغانستان از پاکستان نداشت.

از جانب دیگر نشست سه جانبه میان افغانستان، انگلستان و پاکستان نشان داد که افغانستان شکایت جدی از پاکستان ندارد و می تواند این مشکل را خارج از شورای امنیت، در نشست های حاشیوی مجمع عمومی حل نماید. به این ترتیب شکایت افغانستان از پاکستان در شورای امنیت کاملاً بی اثر شد.

افغانستان در دوسال گذشته پیمان های استراتژیک را با یک تعداد از کشور های اروپائی و همچنان با کشور هندوستان به امضا رسانید. سوال اینست که چنین قرارداد های استراتژیک چه دست آورد هائی را می تواند به افغانستان به ارمغان آورد که داشتن تنها رابطهٔ دیپلوماتیک از رسیدن به آن ناتوان است؟

افغانستان مدعی است که این پیمان ها اگر هیچ تاثیر دیگری نداشته باشد لااقل حاوی این پیام به مردم افغانستان است که افغانستان بار دیگر مورد فراموشی جامعهٔ بین المللی قرار نخواهد گرفت و در ادامهٔ این سلسله اکنون اعلام شده که افغانستان می خواهد قرارداد استراتژیک با پاکستان نیز امضا نماید.

آیا قرارداد استراتژیک با پاکستان به این دلیل امضا می شود تا پاکستان ملزم به عدم مداخله در امور داخلی افغانستان گردد؟ اگر چنین است، دربرابر این تعهد پاکستان، افغانستان به پاکستان چه تعهدی خواهد داد؟ چگونه می توان میان قرارداد با پاکستان و قرار داد مشابه که قبلاً با هندوستان امضا شده است، تعادل برقرار کرد؟

آیا می توان امیدوار بود که پاکستان با امضای این قرارداد، به مفاد آن عمل نماید؟ افغانستان با پاکستان قرارداد های ترانزیتی امضا نموده که جانب پاکستان اکثرا به آن عمل نکرده است. با توجه به بی اعتنائی پاکستان به آن قرارداد ها، اکنون چه تضمینی وجود دارد که پاکستان به تعهدات خویش در قرارداد استراتژیک عمل نماید؟

منظور دولت افغانستان از اعلام آمادگی برای امضای این قرارداد حفظ تعادل در روابط این کشور با هندوستان است. مقامات پاکستانی در ملاقات با مقام های دولت افغانستان، امضای قرارداد استراتژیک میان افغانستان و هند را یک عمل غیردوستانه از جانب دولت افغانستان تلقی کردند. اکنون آقای کرزی می خواهد با امضای این قرارداد با پاکستان، نوعی تعادل را در روابط میان دو کشور رقیب در منطقه به نمایش بگذارد.

اما مسئلهٔ دیگری هم در این میان مطرح است. خط مرزی میان افغانستان و پاکستان هنوز از جانب افغانستان برسمیت شناخته نشده و در بعضی از مناطق، حتی خط دیورند نامشخص است. قرارداد استراتژیک میان دو کشوری که با هم مشکل مرزی دارند، می تواند به این معنی باشد که این دو کشور در صدد اند تا مشکل مرزی میان خود را حل کنند.

اما این مسئله در افغانستان یک موضوع حساس تلقی می شود. این مسئله که پاکستان به خاطر مسئلهٔ دیورند در امور داخلی افغانستان مداخله می کند، ادعائی بیش نیست. همین اکنون هم آنسوی دیورند در اختیار پاکستان است و افغانستان نه تنها در آن مناطق نیروئی ندارد بلکه این پاکستان است که از آنجا خاک افغانستان را مورد حملات موشکی قرار می دهد.

تاکنون متن مسودهٔ توافق نامهٔ استراتژیک میان افغانستان و پاکستان در اختیار مطبوعات قرار نگرفته و مشخص نیست که شامل چه مسایل خواهد بود و بر بنیاد آن طرفین چه الزاماتی را در برابر یکدیگر خواهند پذیرفت.

همنوا

بشار اسد به دنبال قذافی

بیش از یک و نیم سال از جریان اعتراضات، راهپیمایی ها و اجتماعات مردم قهرمان سوریه بر ضد رژیم کودتایی بشار اسد می گذرد. مردم مسلمان و به پاخاستهٔ سوریه همراه با قیام کشورهای عربی، برضد رژیم دیکتاتوری و خود کامهٔ بشار اسد، قیام نمودند و خواهان آزادی، رعایت حقوق بشر و خود ارادیت اند.

مردم سوریه خواهان حکومت فاسد و ضد اسلامی موجود نبوده و طرفدار انتخابات آزاد و سالم در کشور شان اند تا نظام و حکومت دلخواه شان به اقتدار برسد.

ما همه می بینیم و می شنویم که قیام های مردمی در سوریه با چه شدت حملات مرگبار طیاره ها و تانک ها، جواب داده می شود و از رسانه های تصویری و صوتی جنایات اسد را همه روزه می شنویم... مردم سوریه از اعتراض و قیام به حملات مسلحانه و اردوی آزاد روی آورده و جواب سلاح دشمن سفاک را با سلاح جواب می دهند و این ماه ها است که همه روزه صدها و هزاران نفر از مردم سوریه به شهادت می رسند و هزاران هزار دیگر به کشور های لبنان، اردن و ترکیه در وضع فلاکتبار، مهاجر گردیده اند... در سایر کشور های عرب، حکام ظالم و مستبد بالاخره از ظلم و ستم به مردم مظلوم و به پاخاستهٔ شان، دست کشیده و تسلیم سرنوشت شدند و یا فرار کرده و یا در اثر بیماری به کنار می رفتند و فقط یک زمامدار کودتایی شقی و فاسد قرار داشت که با شعارها و لفاظی های خود را رهبر بلامنازع مردم می دانست و ادعامی کرد که مردم لیبیا از او حمایت می کنند و مخالفان او فقط چند نفر تروریست اند و مردم همه برای او جان می دهند ولی قیام های مردم اوج گرفت و او را که از قصر فرار و به کوچه ها پناهنده شده بود، بالاخره درکوچه ها به دست انقلابیون افتاد و به جزای اعمالش رسید... بشار اسد نیز به دنبال قذافی افتاده و هرگز قصد ندارد تا مانند سایر احکام کنار برود و راه مردم را باز بگذارد... او با سر سختی به حکومت ظلم و استبداد چسپیده و قیام ها را با گلوله پاسخ می دهد و زود است که این طولانی ترین قیام مردمی در کشور های عربی، بالاخر به پیروزی برسد و اسد مانند قذافی در کوچه های سوریه به دست انقلابیون گرفتار و به جزای اعمالش برسد.

کابل و واشنگتن در مورد عملی کردن تعهدهای راهبردی دیدار و گفتگو کردند

مقامات دولت افغانستان و امریکا در مورد عملی شدن تعهدات مندرج پیمانی راهبردی با هم بحث و گفتگو کردند.

آقای زلمی رسول وزیر خارجهٔ کشور هنگام ملاقات با همتای امریکایی خود در واشنگتن در بارهٔ عملی ساختن توافق همکاری های ستراتژیک میان دو کشور گفتگو کردند.

دراین دیدار وزیر خارجهٔ امریکا، جیمس وارلیک معاون نمایندهٔ خاص امریکا برای افغانستان و پاکستان را برای پیشبرد مذاکرات در این خصوص از جانب امریکا معرفی کرد و از سوی افغانستان آقای حکیمی سفیر در واشنگتن به این وظیفه گماشته شد.

در دیدار دو جانبهٔ وزیر خارجهٔ افغانستان افزود که این کشور برای مصالحه با طالبان از همه امکانات خود [illegible]رد. در این میان هیلاری کلنتن وزیر خارجهٔ امریکا گفت که این کشور از تلاش ها برای صلح و آرامی در افغانستان حمایت می کند.



او گفت: شب و روزهای دشواری پیش رو است ولی با وجود چالش ها امریکا با افغانستان تعهد کرده و همکاری ها ادامه خواهد یافت.

وزیر خارجه امریکا افزود: مرحله انتقال به پیش می رود. نیروهای افغانستانی روز به روز قویتر می شوند و مسؤولیت های بیشتر امنیت کشور خود را به عهده می گیرند. در بخش سیاسی، رئیس جمهور کرزی برنامه های اصلاحات را پیشنهاد کرده است.

وزیر خارجهٔ امریکا اظهار امیدواری کرد که پیشنهادات آقای کرزی به راه اندازی انتخابات در سال ۲۰۱۴ بیانجامد. این مقام امریکایی تأکید کرد که امریکا پس از خروج قوای بین المللی در سال ۲۰۱۴ از افغانستان، بازهم با این کشور کمک خواهد کرد.

پیمان راهبردی میان افغانستان و امریکا در ۱۲ ثور سال روان به امضا رسید و گفته شد که این توافق نامه چارچوب روابط را میان هر دو کشور تا سال ۲۰۲۴ میلادی تنظیم و تعیین می نماید. در این حال هنگام در متن این پیام آمده است در صورتی که تمایل هر دو طرف وجود داشته باشد این پیمان بعد از تاریخ متذکره نیز قابل تمدید می باشد.